

تصمیمات قضائی

۱ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۲۱۱۰}{۳۵/۱۰/۱۰}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

جریان کار - شرکت سهامی چرم سازی بموجب حکم غیابی شماره ۲۴۹ دادگاه شهرستان تهران محکوم شده که مبلغ یکصد و سی و دوهزار ریال بابت وجه یک سفته و مبلغ سی و نه هزار و یکصد و شانزده ریال بابت خسارت تأخیر و مبلغ دوهزار و سیصد ریال بابت خسارت حق الوکاله در حق اداره تصفیه اقتصادی پردازد که از حکم مورد وخواهی شرکت محکوم علیه واقع و بموجب حکم شماره ۵۱۶-۲۸/۱۲/۱۷ استوار و علاوه شرکت بتأدیه مبلغ دیگر بابت خسارت حق الوکاله محکوم گردیده است نسبت باین حکم شرکت مستقیماً در ۲۹/۳/۲۲ و وکیلش در ۳۱/۴/۱۲ دادخواست پژوهشی بدادگاه استان تهران تقدیم کرده و شعبه ه دادگاه استان در ۲۹/۶/۵ دادخواست مورخ ۲۹/۲/۳ را که شرکت مستقیماً تقدیم کرده بود بعلت نقص که با اخطار رفع نشده بوده بموجب قرار ۳۱۶ رد نموده و در مورد دادخواست پژوهشی وکیل شرکت مورخ ۳۱/۴/۱۲ در جلسه ۳۱/۱۱/۲ چنین رأی داده (نظر باینکه قرار رد دادخواست پژوهشی شرکت سهامی چرم سازی صادر از این دادگاه بشرح پرونده ۱۸۰/۹/۲۹ که نسبت بان طبق گواهی دفتر دیوانکشور دادخواست فرجاسی هم داده نشده هنوز بقوت خود باقی است و در هر تقدیر مادام که قرار مزبور لغو نشده پذیرفتن دعوی مجدد پژوهشی از طرف شرکت در همان موضوع مجوز قانونی ندارد لذا قرار عدم استماع دعوی پژوهشی فوق الاشعار صادر و اعلام میشود) این قرار مورد شکایت فرجاسی واقع و خلاصه اعتراض این بوده که در تاریخ دادخواست پژوهشی که منجر بقرار فرجاسی خواسته شده مدیر عامل شرکت غیر امضاء کننده دادخواست پژوهشی داده و امضاء کننده دادخواست مزبور در آن تاریخ سمتی در شرکت نداشته شعبه ۴ دیوانکشور قرار مورد شکایت را شکسته است باین استدلال که با ایراد باینکه رویت کننده حکم نخستین سمتی نداشته و ابلاغ باو بی تأثیر و شرکت در تاریخ تسلیم دادخواست پژوهشی سابق دو مدیر داشته و دادخواست بایستی با امضاء دو مدیر داده شده میبایستی دادگاه از نظر صحت عدم صحت ابلاغ حکم نخستین و مؤثر بودن و نبودن دادخواست پژوهشی که دارای یک امضاء بوده توجهی نموده باشد و صدور قرار قبل از رسیدگی بمراتب صحیح نبوده است - شعبه صادر کننده قرار پس از رسیدگی مجدد با صدور قرار بشرح زیر صادر کرده (قرار ۱۸۲) نظر باینکه قرار رد دادخواست پژوهشی شرکت سهامی چرم سازی قبلاً از طرف این دادگاه صادر شده و مدیران فعلی شرکت که از طرف شرکت دادخواست پژوهشی داده و مدعی هستند دادخواست پژوهشی قبلی از طرف غیر ذی سمت تقدیم شده مادامیکه از طریق قانونی از قبیل اعتراض ثالث بر قرار صادر

تصمیمات قضائی

از این دادگاه نسبت باین قرار شکایت نکرده‌اند و نتیجتاً قرار مزبور بقوت خود تا حال باقی است نمیتواند تقاضای رسیدگی مجدد پژوهشی از این دادگاه نمایند و دادگاه ساداسیکه قرار مزبور از اعتبار نیفتاده نمیتواند بدعوی پژوهشی شرکت که مسبوق به صدور قرار رد دادخواست پژوهشی است رسیدگی نماید لذا همانطور که قبلاً نظر داده شده دادگاه قرار عدم استماع دعوی پژوهشی را صادر مینماید بدیهی است در صورتیکه شرکت از طریق اعتراض بر قرار صادر از این دادگاه مبادرت به شکایت نماید با رسیدگی بجهاتی که شرکت مدعی است ابلاغ اخطاریه بیکنفر مدیر صحیح نبوده و غیر آن صحت ادعا شرکت ثابت گردد و قرار صادره از این دادگاه در اثر رسیدگی مزبور گسیخته میشود و دادگاه میتواند بدادخواست پژوهشی ثانوی شرکت رسیدگی نماید رأی دادگاه فرجام پذیر است. آقای علاء الدین بعنوان وکیل شرکت سهامی چرمسازی بتقدیم دادخواست فرجامی مبادرت کرده و اعتراضش باین خلاصه است که شرکت قبل از محکومیت دوفنرمدیر داشته و حکم دادگاه شهرستان که میبایستی بدو نفر ابلاغ شود بکسی ابلاغ شده که مدیر شرکت نبوده و شعبه دادگاه استان دادخواست پژوهشی او را که سمت نداشته از جهت رفع نقص رد میکرده مدیران شرکت پس از اصدار اجرائیه از جریان وقوف حاصل و خود بتقدیم دادخواست پژوهشی مبادرت کرده و دادگاه استان نظر بر ارسابق قرار عدم استماع دعوی پژوهشی صادر کرده و با اینحال که قرار مزبور در دیوان کشور شکسته شده و دادگاه استان مکلف بوده طبق دستور دیوانکشوردادخواست پژوهشی مدیران شرکت رسیدگی نماید بدون توجه قرار مورد توجه را صادر نموده است از طرف فرجامخوانده پاسخ داده شده است قضیه بامقررات ماده ۵۷۶ منطبق و رسیدگی بان در صلاحیت هیئت عمومی دیوانکشور است. جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس دیوانعالی کشور با حضور دادستان کل متشکل از آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوانعالی کشور تشکیل است. پس از قرائت گزارش جریان پرونده و مذاقه در احکام صادره و مواد مربوطه و مشاوره در اطراف موضوع و کسب عقیده جناب آقای دادستان کل که مبنی بر ابرام بود با کثرت بشرح زیر رأی میدهند.

برقرار فرجامخواسته که نتیجتاً بر رد دادخواست مجدد پژوهشی است اشکال موجب نقض نمیرسد و با کثرت آراء ابرام میگردد.

۲- جزائی

حکم شماره $\frac{۲۸۴۶}{۳۵/۱۰/۱۰}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

گزارش کار - یدالله . ه ساله زارع پسر صفت الله ساکن فلات قزوین باتهام ایراد ضرب با چوب (سرآهنی داشته) به غیبت الله که منتهی بقوت او شده مطابق ماده ۱۷۱ (قسمت اخیر) و ماده ۱۷۰ در دادگاه جنائی استان ۱ و ۲ تعقیب و در نتیجه رسیدگی که پس از انجام تشریفات در هیئت ه نفری صورت گرفته ارتکاب متهم را در حدود قسمت اخیر ماده ۱۷۱ (بلحاظ موضع اصابت) ناظر بماده ۱۷۰ محرز شناخته و با رعایت ماده

تصمیمات قضائی

۴۴ بده سال حبس با اعمال شاقه و پرداخت یک هزار ریال هزینه دادرسی محکوم نموده که فرجامخواسته و شعبه ۸ دیوانکشور از جهت اینکه آلت قتاله نبوده و بنا بر این تطبیق مورد با ذیل ماده ۱۷۱ موردی نداشته حکم را شکسته و رسیدگی را بشعبه دیگر دادگاه جنائی ارجاع میدارد - شعبه ۲ دادگاه جنائی با انجام تشریفات مربوطه بانتخاب وکیل مدافع وتشکیل جلسه مقدماتی ۵ نفری وتعیین وقت دادرسی رسیدگی پرداخته ودر نتیجه با احراز ارتکاب بملاحظه حساسیت موضع برابر قسمت اخیر ماده ۱۷۱ ناظر بماده ۱۷۰ یدالله را با رعایت ماده ۴۴ بهشت سال حبس با اعمال شاقه و پرداخت یک هزار ریال هزینه دادرسی محکوم مینماید نامبرده جهت ابلاغ برای فرجامخواسته جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس دیوانعالی کشور با حضور دادستان کل متشکل از آقایان رؤسا شعب و مستشاران دیوانعالی کشور تشکیل پس از قرائت گزارش پرونده شماره ۲/۲۸۷۴ و بحث و مشاوره در اطراف موضوع و مدافه در مواد قوانین مربوطه وکسب عقیده جناب آقای دادستان کل که مبنی بر ابرام حکم بود با کثرت بشرح زیر رای میدهند :

چون در تشخیص قتاله بودن آلت ضرب و جرح حساسیت موضع اصابت نیز تأثیر کلی دارد و باتوجه بگواهینامه پزشکی که مرگ مجنی علیه را بر اثر جرح وارده وشکستگی استخوان جمجمه وخونریزی داخلی وخارجی تشخیص داده دادگاه نیز از لحاظ حساس بودن موضع اصابت که در فاصله کمی منتهی بمرگ شده آلت استعمال شده را قتاله دانسته در انطباق مورد بقسمت اخیر ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی و همچنین از جهات دیگر اشکالی بررای فرجامخواسته وارد نبوده و ابرام میشود .

۳- حقوقی

حکم شماره $\frac{۲۱۰۹}{۳۵/۱۱۰/۱۱}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

گردش کار - آقای دکتر محمود وکیل آقا محمدباقر بخواسته ابطال سند شرطی شماره ۵۵۶۲ - ۱۷/۱۲/۲۵ مبلغ ششصد هزار ریال وخسارت بطرفیت آقا محمود در شعبه ۸ دادگاه شهرستان تهران اقامه دعوی کرده دادگاه پس از رسیدگی بشرح حکم شماره ۴۲۱ حکم به بطلان سند شرطی ومحکومیت خواننده بسی هزار ریال خسارت میدهد از این حکم پژوهشخواسته میشود شعبه ۱۲ دادگاه استان مرکز بموجب دادنامه شماره ۴۴۵ حکم دادگاه شهرستان را استوار میکند از این حکم تقاضای فرجام شده شعبه سوم دیوان عالی کشور پس از رسیدگی چنین تصمیم اتخاذ کرده است (عمده استدلال دادگاه شهرستان این است که خواننده یک نوبت وجه سند شرطی مورد بحث را از فرجامخواننده مطالبه کرده منتهی بحکم قطعی بر محکومیت وی گردیده و منظور دادگاه از حکم مزبور حکم شماره ۳۶۲ - ۲۹/۱۱/۱۲ دادگاه شهرستان تهران است در حالیکه پرونده حاکی از این نیست که این حکم به فرجامخواه ابلاغ و بمرحله قطعیت رسیده باشد اوراقی که از طرف فرجام خواننده

تصمیمات قضائی

برای اثبات این امر بدادگاه داده شده همین قدر حاکی است که دادخواست پژوهشی آقای محمود بعلت عدم رفع نقص آن رد شده است و از ملاحظه این دادخواست که منتهی بقرار رد آن گردیده و خصوصیات مندرج در آن از قبیل تاریخ ابلاغ رأی بدوی معلوم است که دادخواست مزبور نسبت به قرار شماره ۶۸ - ۲۹/۳/۳۰ دادگاه شهرستان مبنی بر توقیف عملیات اجرائی بوده نه نسبت بحکم مربوط باصل دعوی بنابراین حکم فرجامخواسته مخدوش و طبق ماده ۵۵۹ آئین دادرسی مدنی نقض میشود و ختم امر بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میگردد) رسیدگی بعد از نقض بشعبه سوم دادگاه استان ارجاع میشود - شعبه مرقوم بدون احضار اصحاب دعوی رسیدگی کرده با اکثریت چنین رأی داده (اساس دعوی محمدباقر این است که سند شرطی شماره ۵۵۶۲ - ۲۷/۱۲/۱۵ بمبلغ ششصد هزار ریال خالی از وجه میباشد وی سابقاً در محاکم بدوی و پژوهشی وجه سند مزبور طبق حکم دادگاه مورد نظر قرار گرفته و خواهان محکوم به پرداخت مبلغ مندرج در سند گردیده و در نتیجه سند در این تاریخ قابل ابطال بوده و اجرائیه هم که بمستند آن صادر گردیده بایستی ابطال گردد و در شعبه هشتم دادگاه شهرستان پس از رسیدگی و مراجعه به احکام سابق مخصوصاً احکام صادر از شعبه پنجم دادگاه استان و شعبه دهم دادگاه استان بالاخره حکم بر بطلان سند صادر گردیده که حکم مزبور در شعبه دوازدهم دادگاه استان استوار و اشکالی که در شعبه سوم دیوانعالی کشور بدان اشاره شده در نظر اکثریت این دادگاه اشکال مؤثری نیست زیرا دیوانکشور تصور کرده است که در شعبه ۸ دادگاه شهرستان که بدادنامه شماره ۳۶۲ - ۲۹/۱۱/۱۲ استناد و حکم مزبور را قطعی شناخته در این تشخیص اشتباه کرده و حکم مزبور قطعی نبوده و قرار رد دادخواست پژوهشی مربوط بقرار شماره ۶۸ - ۲۹/۳/۳۰ میباشد که موضوع آن توقیف عملیات اجرائی است و در نظر دادگاه یعنی اکثریت دادرسان تشخیص دیوانکشور مبنی بر اشتباه است و استدلال مندرج در دادنامه پژوهشخواسته صحیح میباشد چه آنکه دادنامه شماره ۳۶۲ - ۲۹/۱۱/۱۲ همان است که مورد شکایت پژوهشی آقای محمود واقع شده و منتهی بقرار رد دادخواست پژوهشی گردیده و قرار شماره ۶۸ - ۲۹/۳/۳۰ مبنی بر توقیف عملیات اجرائی اساساً قابل شکایت پژوهشی نمیشود تا بتوان تصور نمود که قرار رد دادخواست پژوهشی مربوط بهمان قرار است بعلاوه آنچه مورد نظر دادگاه میباشد این است که معلوم گردد وجه سند شرطی قبلاً بموجب احکام صادره از محاکم دادگستری وسیله آقای محمدباقر پرداخت شده یانه و این موضوع در سراسر مندرجات پرونده مسلم و محرز است و مخصوصاً دو فقره حکم صادره از شعبه پنج دادگاه استان مرکز در اثر نقض فرجامی در شعبه دهم دادگاه استان عیناً حکم مزبور مجدداً صادر گردیده حکایت از پرداخت وجه سند شرطی دارد و چون اجرائیه صادره هم قبلاً ابطال گردیده است علیهذا دادنامه پژوهشخواسته در خصوص بطلان سند رسمی شماره ۵۵۶۲ - ۲۷/۱۲/۲۵ خالی از اشکال است و استوار میشود) بابت حق الوکاله هم آقای محمود را بشرح این حکم محکوم بتادیه وجوه مرقوم در این حکم میکند این حکم در ۳۱/۵/۳۴ باقay دکتر محمد ابلاغ میشود مشارالیه در همان روز از آن فرجام میخواهد و اعتراض میکند - قرار توقیف عملیات اجرائی بموکل او در ۲۲/۱۱/۲۹ ابلاغ شده و مشارالیه که آشنا بمقررات قضائی نبوده

تصمیمات قضائی

از آن پژوهش خواسته و دستور ابلاغ دادنامه ابطال اجرائیه در ۲۲/۱۱/۲۹ بموکل داده شده است و حکم ابلاغ شده در پرونده موجود نیست و موکل ابلاغ آنرا انکار دارد و در این صورت موردی برای پژوهشخواستن در آن نبوده احکام دادگاههای استان حاکی از تأدیه وجه سند شرطی نیست بلکه ادعا شده است که سند مرقوم صوری تنظیم شده و وجهی بابت آن تأدیه نشده از حکم شعبه ه طرفین فرجامخواسته طرف ارباب آنکه چرا بطلان سند شرطی در حکم قید نشده دیوانکشور حکم را در این قسمت ابرام کرده که این امر دلیل نفوذ و اعتبار سند شرطی است - آقای دکتر محمود بشرح لایحه مورخ ۲۴/۷/۲۴ خود به تمام اظهارات آقای دکتر محمد پاسخ داده است.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس دیوانعالی کشور با حضور دادستان کل متشکل از آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوانعالی کشور تشکیل است. پس از قرائت گزارش جریان پرونده و مشاوره در اطراف موضوع و کسب عقیده جناب آقای دادستان کل که مبنی بر ابرام بود با کثرت بشرح زیر رأی میدهد:

نظر دادگاه استان مربوط بودن قرار رد دادخواست پژوهشی بحکم صادره از شعبه هشتم دادگاه شهرستان مستدل و مقرون باماراتیکه در حکم فرجامخواسته بیان شده است میباشد مضافاً باینکه دلیل باطل شمردن سند ثبتی منحصر بحکم شعبه هشتم دادگاه شهرستان نمیشود و ادله دیگر هم در حکم ذکر شده که سوابق محتویات پرونده و بموجب ماده ۵۶۵ آئین دادرسی مدنی معتبر تلقی میشود - علیهذا حکم مرقوم بلا اشکال است و استوار میگردد.

۴- جزائی

حکم شماره $\frac{۲۸۲۲}{۳۵/۱۰/۱۰}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

- گردش کار - ابراهیم بیست ساله فرزند اغعلی زارع ساکن قریه مارشک با تهم ابراز ضرب و جرح منتهی بفوت رجبعلی باسنگ باستناد گزارش شماره ۲۶۶۵۳ - ۲۶۷۹۵ ژاندارمری و شکایت پسر مقتول و نظریه پزشک قانونی و اظهارات مطلعین و شخص متهم و اوضاع و احوال و قرائن و امارات موجوده در پرونده مورد تعقیب دادرسی شهرستان مشهد در دادگاه جنائی استان نهم قرار گرفته دادگاه مرقوم پس از اخطار متهم و تعیین وکیل و اخطاریه متهم و وکیل او تشکیل جلسه مقدماتی در جلسه علنی پنج نفری با حضور متهم و وکیل او رسیدگی بعمل آورده و پس از استماع مدافعات متهم و وکیل او باستناد اظهارات کسان مقتول و اظهارات متهم و اینکه صورت مجلس معاینه حاکی است که شکستن استخوان سر رجبعلی موجب فوت او شده و اینکه تصدیق پزشک در صورت مجلس تنظیمی مبنی بر اینکه استخوان طرف چپ سر مقتول بر اثر ایراد ضرب شکسته و دو تیکه از استخوان به مغز وی فرو رفته و بلا دلیل بودن

تصمیمات قضائی

دفاع متهم باینکه پای مقتول بسنگ پله یخ بسته بند شده و بزمین خورده سرش شکسته و اینکه افتادن از پله آنهم بیکطرف موجب شکستگی استخوان قحف نمیشود و اظهارات حسین و علی اصغر و قاسم جرم متهم را محرز دانسته از جهت حساسیت موضع اصابت مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۱ تشخیص داده با رعایت مواد ۴۴ و ۱۹۲ قانون مجازات عمومی و ماده ۴ قانون ۲۸/۵/۶ او را به پنج سال حبس با اعمال شاقه و پرداخت یکهزار ریال هزینه دادرسی با احتساب مدت بازداشت محکوم میکند متهم ذیل رأی از آن فرجامخواسته شعبه هشتم دیوانعالی کشور با استناد اینکه سنگ آلت قتاله شناخته نمیشود تا محل انتسابی قابل تطبیق با ذیل ماده ۱۷۱ باشد حکم فرجامخواسته را نقض و رسیدگی را بدیوان جنائی تهران ارجاع میکند شعبه دوم دادگاه جنائی مرکز پس از انجام تشریفات مقدماتی و تشکیل جلسه مقدماتی در جلسه علنی پنج نفری با حضور متهم و وکیل او رسیدگی بعمل آورده پس از استماع دفاع و آخرین دفاع متهم با استناد اینکه اگرچه متهم منکر بزه انتسابی بوده ولی با توجه باظهارات او باینکه با رجبعلی طرف مشاجره بوده و اظهار نظر پزشکی بر اینکه استخوان سر رجبعلی شکستگی پیدا کرده و تولید خونریزی منتهی بمرگ او شده و گواهی گواهان و اظهار مقتول باینکه ضارب ابراهیم بوده و توجه بمجموع محتویات پرونده و اوضاع و احوال موجوده در آن جرم متهم را محرز و از جهت حساسیت عمل اصابت مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۱ ناظر بماده ۹۷۰ قانون مجازات عمومی دانسته با رعایت ماده ۴۴ و ۱۹۲ قانون مجازات او را محکوم بچهار سال حبس با اعمال شاقه و پرداخت یکهزار ریال هزینه دادرسی میکند - متهم ذیل دادنامه از آن فرجامخواسته اعتراضی نموده است جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیس دیوانعالی کشور با حضور دادستان کل متشکل از آقایان رؤساء و مستشاران دیوانعالی کشور تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و مشاوره در اطراف موضوع و کسب عقیده جناب آقای دادستان کل کشور که مبنی بر ابرام حکم دیوانعالی بود با کثرت بشرح زیر رأی میدهند

با توجه بصورت مجلس معاینه جسد و گواهینامه پزشک که مرگ مجنی علیه را بر اثر ایراد جرح بسر او و شکستن استخوان سر و فرورفتن استخوان بماغز مقتول تشخیص داده باعتبار حساسیت موضوع ورود جرح آلت استعمال شده قتاله محسوب است و در انطباق محل به قسمت اخیر ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی اشکالی نیست و چون از سایر جهات هم ایرادی بنظر نمیرسد رأی فرجامخواسته ابرام میشود.